



نقش اقلام سته (خطوط شش گانه) در کتابت کلام وحی

غلامرضا راهپیمای^۱

استاد دانشگاه سوره/ عضو کمیته تخصصی هنرهای سنتی و صنایع دستی فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران

 <https://doi.org/10.22034/ciom.2024.718409>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲

نوع مقاله: پژوهشی، صص ۱۷۷-۱۹۲

چکیده

کلام وحی با «اقرأ» آغاز می شود و سینه به سینه نقل می گردد؛ سپس در طول قرون به نوشتار و کتابت می انجامد و به یکی از بزرگ ترین دستاوردهای مسلمانان در جغرافیای جهان اسلام مبدل می شود. هنگامی که از کتابت کلام وحی سخن به میان می آید، آدمی وادار می شود با تأمل و تعمق بیشتری درباره سیر تحول و تطور خطوط و کتابت بیندیشد.

آنچه ما را به سوی سیر تحول خط، تطور آن و ظهور و بروز حوزه کتابت و نوشتار مشتاق می کند، آن است که ظهور پیامبر گرامی اسلام (ص) و کلام وحی موجب شد که کاتبان مسلمان با ممارست و تمرین بی وقفه با ذوق و قریحه و خلاقیت های ویژه ای که در گوشه و کنار جهان اسلام وجود داشت، در ژرفای اندیشه خویش بیشتر با این مقوله آشنا شوند. مسلمانان پدیده های هنری را در زمینه خط و کتابت ارتقا بخشیده و به خلاقیت و نوآوری دست یافتند تا به زیباترین شکل ممکن بتوانند آن را به انجام برسانند. از همین رو خط کوفی در سده های اول تا چهارم سیر تکامل خویش را به درستی پیمود و آرام آرام هندسه کلمات انسجام یافت؛ این سرآغاز نهضتی بود که تا به امروز همگان از آن بهره جسته اند.

در این میان ظهور شخصیت های نادر و قابل توجهی همچون «ابن مقفله بیضاوی شیرازی» در

سده چهارم هجری قمری نقطه عطفی برای آغاز تحولی شگرف در زمینه خط و کتابت کلام وحی بود. وی توانست با هنرمندی خلاقانه خویش، هندسه کلمات را بر گرسی نشاند و پس از خط کوفی خطوط شش گانه را برای کتابت کلام وحی بیافریند و خط و کتابت را به کاتبان پس از خود واگذارد و تحولی عظیم را ایجاد کند که تا به امروز در سیر تحول و تطور خود ادامه دارد و اهمیت اقلام سته در کتابت کلام وحی و همچنین هنر اسلامی را بر ما نمایان سازد.

واژگان کلیدی: اقلام سته، خط کوفی، خوش نویسی، کتابت کلام وحی.

مقدمه

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» سوگند به قلم و آنچه که می نویسد. «قرآن کریم، سوره قلم، آیه ۱» در هنگامی که قرآن کریم، این کتاب آسمانی و مقدس مسلمانان، از جانب پروردگار عالمیان به زبان عربی بر قلب و درک پیامبر عظیم الشان (ص) وحی و سپس از زبان ایشان به نخستین گروندگان اسلام منتقل گردید، همزمان با کتابت قرآن، رشد و توسعه و گسترش خط عربی نیز آغاز شد. از همان زمان، نگارش متن کلام وحی نزد مسلمانان نوعی عبادت و سعی معنوی و مقدس به شمار می رفت و اندک اندک هنر خوش نویسی به طور عام به صورت گرانبهترین و والاترین قالب هنری جهان اسلام درآمد و همچنان نیز در این پایه و مایه باقی مانده است.

خوش نویسی برای مسلمانان و همه انانی که به آن علاقه نشان دادند و گرایش پیدا کرده بودند، نمادی از میراث ادبی زبان عربی و نیز جلوه های عاطفی دین اسلام به شمار می رفت و در دوره های متمادی این سنت هنری با تلاشی چندین ساله از نسل هایی از کاتبان، راه کمال را پیمود و به قالب های زیبا، غنی و قدرتمندی درآمد که درک رموز دلربایی فریبنده خطاطی، خود به تعمقی کارشناسانه، چشمانی آزموده و آشنایی با پشتوانه فرهنگی که خاستگاه این هنر است، نیازمند گردید. علاوه بر این همواره باید مقام ارجمندی را که در فرهنگ اسلامی نسبت به کاتب و کتابت وجود داشته است، به خاطر بسپاریم.

خوش نویسی کاری است بس دشوار؛ بیشتر کاتبان بزرگ مسلمان به تقریب تمامی زندگی خویش را وقف تعالی هنر خویش کرده اند. استادی و کمال خویش را در هنر خوش نویسی نه فقط به نظم و قاعده مندی در کسب مهارت های فنی، بلکه به تعهد و التزام خطاط و به نیروی ایمان نیازمند دیده اند، زیرا خطاط باید در این راه دشوار به شخصیتی شایسته دست یابد. از این رو استادان برجسته ای در این راه دشوار ظهور کرده و آن را دنبال نموده اند. آن گاه که از اقلام سته سخن به میان می آید، به ویژه خط نسخ، ابتدا باید از شخصیت های قابل توجه و بنام در تاریخ خوش نویسی یاد کرد.



نقش اقلام سته
(خطوط شش گانه) در
کتابت کلام وحی

ابن مقله بیضاوی شیرازی

محمد بن علی بن حسین بن مقله بیضاوی شیرازی، هنرمند خوشنویس و وزیر مقتدر عباسی (جلوس ۵۲۹۵.ق.) از شخصیت‌های بنام در عرصه سیاست و هنر و فرهنگ بود که نام پراوازه‌اش همچنان بر تارک خط و خوش‌نویسی ایران و جهان می‌درخشد. (فضائل ۱۳۶۳: ۲۴۰) ابن مقله با دانش عظیمی که از علوم هندسه داشت، اندازه و مقیاس حروف الفبا را بر مبنای دایره و نقطه لوزی‌گونه بنا نهاد و با نوآوری خویش، اقلام سته را در سال ۳۱۰.ه ق در ایران و سایر بلاد اسلامی پایه‌گذاری کرد.

وی از هنرمندان خوشنویس پیش از خود اطلاعات قابل توجهی داشت و به مشکلات و دشواری‌های خط کوفی در جغرافیای جهان اسلام برای نگارش قرآن کریم و کلام وحی آگاهی داشت. از این رو با درایت و هنرمندی خویش توانست مسیر نگارش مسلمانان را در امر خوش‌نویسی به کمال رساند. ابن مقله از هندسه کلمات در خط کوفی، شش خط را که به خطوط اصول، یعنی همان اصول خط‌های متداول اسلامی، معروف شدند، پایه‌گذاری نمود و آنها را در جغرافیای اسلام و بلاد اسلامی عرضه کرد که بعدها به اقلام سته یا شش‌گانه معروف شدند. این خطوط شامل نسخ، ثلث، محقق، ریحان، توقیع و رقاع هستند.

شاید نمونه‌هایی از خطوط شش‌گانه قبل از وی نیز وجود داشت، اما او به این خطوط توجه ویژه کرد و آنها را مطرح نمود؛ قاعده‌ای برای آنها وضع کرد و عده‌ای را برای گسترش و تعمیم آن تعلیم داد و بر آموزش آنان پای فشرد. ابن مقله بیضاوی شیرازی را باید به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران و بنیان‌گذاران مهم‌ترین تحولات تاریخ خوش‌نویسی جهان اسلام نام برد. وی رساله «علم الخط و القلم» را درباره اصول و قواعد خوش‌نویسی تألیف کرد.



■ شکل ۱. صفحاتی از قرآن کریم، خط نسخ نزدیک به ریحان، به قلم ابن بواب، ۳۹۱ ق، (مأخذ: کتابخانه و موزه چسترییتی، دوبلین).



در همین مسیر پر پیچ و تاب خوش نویسی، پس از او در قرن پنجم ه. ق شخصیتی فرهیخته و بنام همچون علی بن هلال معروف به «ابن بواب» با استفاده از نبوغ و استعداد هنری خویش، زیبایی و ظرافت را به توازن و هماهنگی هندسی حروف این مقله افزود و اصلاحات عمده‌ای را در اقلام سته ایجاد کرد و آنها را زیبا و استوار گردانید. ابن بواب در شیوه خوش نویسی خویش که زیبایی‌شناسی حروف را بیشتر مد نظر قرار داده بود، توانست تا زمانی که شیوه و روش یاقوت مستعصمی معمول شود، آن را رواج دهد و با یاقوت پیش ببرد.

خوش نویسانی که تا چند قرن پس از ابن بواب شیوه و روش او را دنبال می‌کردند، بر روی آثارشان طریقه ابن بواب را می‌نوشتند؛ یکی از سرآمدان آنها که روش او را پیش گرفت و راه وی را ادامه داد و آن را به کمال رسانید، شخصیت بزرگ دیگری در حوزه کاتبان کلام وحی است که او را «یاقوت مستعصمی» نامیده‌اند.

جمال‌الدین یاقوت مستعصمی «قبله الکتاب»

جمال‌الدین یاقوت مستعصمی که از بزرگ‌ترین خوش‌نویسان دوره ایلخانی به شمار می‌رود، در زمان حیات پربرکت خویش کوشید تا شیوه ابن بواب را دنبال کند و درنهایت نیز آن را به کمال رسانید. یاقوت مستعصمی از معروف‌ترین خوش‌نویسانی است که با ظهورش خوش نویسی دچار تحول شگرفی شد و او بعداً لقب «قبله الکتاب» را یافت. وی هنرمندی ادیب و عالمی فاضل و شاعری توانا بود که پایه خط را به جایی رساند که پیش از این به آن جایگاه نرسیده بود. یاقوت از غلامان و خدمتکاران المستعصم بالله، آخرین خلیفه عباسی (۶۴۰-۶۵۶ ه. ق) و از دست‌پروردگان وی بود و به همین جهت خود را مستعصمی می‌خواند.

یاقوت مستعصمی از شیوه خط «ابن بواب» پیروی می‌کرد و با درایت و ذکاوتی که داشت، با ابداع روشی در قط قلم جهت نزاکت و لطافت (نه از جهت اصول و قاعده، چون اصول و قاعده همان بود که ابن مقله وضع کرده بود) توانست به اقلام سته (خطوط شش گانه) بُعدی تازه از ظرافت و زیبایی دهد و آنها را به اوج شیوایی و زیبایی و کمال برساند.

با مُشک خطا، کاتب صُنع از خط یاقوت

خوش بر لب لعل تو نوشته است که یاقوت^۱

و جامی نیز می‌گوید:

شد نسخ خط یاقوت، اکنون همه رعنايان

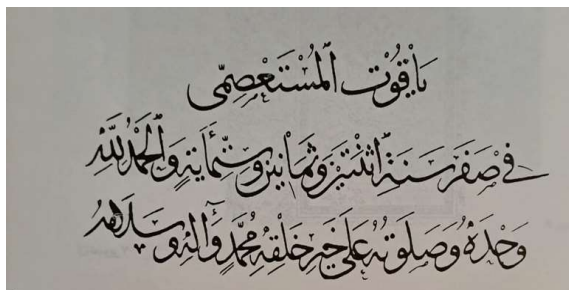
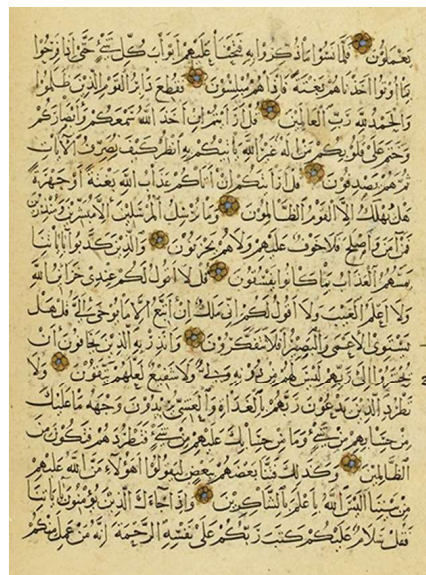
تعلیم خط از لعلت، گیرند به مکتب‌ها^۲



نقش اقلام سته
(خطوط شش گانه) در
کتابت کلام وحی

۱. عطار، دیوان اشعار، غزل ۱۴۳

۲. جامی، دیوان اشعار، غزل ۱۵



■ تصویر ۳. انجامة قرآن کریم به خط یاقوت (مأخذ: مایل هروی، ۱۳۷۲: ۸۳۷).

■ شکل ۲. خط نسخ منتسب به یاقوت مستعصمی، (مأخذ: کتابخانه ملی فرانسه).



فصلنامه بنیان هنر
شماره پنجم
زمستان ۱۴۰۳

نوع مهارتش در نگارش اقلام سته و از سویی دیگر به علت نقش او در توسعه و پیشبرد خط‌های اداری در زمان خود است. تأثیر قلم نسخ یاقوت که در تکامل حوزه کتابت بسیار مؤثر است، به دلیل نقطه‌گذاری وی در این خط است. یاقوت مدت‌های مدیدی مشغول پیراستن انواع قلم‌ها بود و اوضاع زمانه بغداد در آن روزهای سخت هیچ تأثیری در حوزه نوشتاری وی نداشت، چراکه به قول خودش در دوران پر آشوب خلافت اسلامی و دوره‌ای که به نابودی بغداد و ختم خلافت انجامید: «کافی (حرف کاف) نوشته‌ام که به تمام عالم می‌ارزد» (عالی افندی ۱۳۶۹: ۸۱).

یاقوت و اصلاح اقلام سته

در بسیاری از منابع به قدرت قلم یاقوت در انسجام و اصلاح اقلام سته اشاره شده که یاقوت همواره به پیراستن و آراستن اقلام سته مشهور است و معروف است که یاقوت شش شاگرد بزرگ و سرآمد داشته است (همان: ۸۷) که خوش‌نویسی در اقلام سته با اصلاحات یاقوتی از طریق آنها به دوره بعد منتقل می‌شود و هر یک از این شاگردان خود منشأ اثری هستند در انواع این اقلام.

اقلام سته پس از وفات یاقوت سیر تحول و تطور خود را می‌پیماید و کاتبان دیگری همچون ارغون کاملی به قلم ریحان و احمد بن سهروردی به قلم محقق و عبدالله صیرفی در قلم نسخ، گواه ارتقای سطح خوش‌نویسی پس از یاقوت است. یاقوت مستعصمی مهم‌ترین تحول در اقلام سته را از راه ارتقای ساختار هندسی اقلام به وجود آورد و همان‌طور که قبلاً اشاره شد، نقش بسیار مهمی را در تکامل قلم نسخ از طریق نقطه‌گذاری ایفا کرد.

یاقوت قلم را قط زد و قاعده را تغییر داد و فرمود که خط تابع قلم است (منشی قمی ۱۳۶۶: ۶۰). به این معنی که اندازه حروف براساس مختصات تعیین‌شده به نسبت اندازه قلم (قطر شکل

لوزی‌مانندی که آن را به‌عنوان نقطه می‌شناسیم) مشخص و تعیین می‌گردد؛ بنابراین در چنین هنگامی شاکله حروف، هندسی‌تر و مبتنی بر اندازه‌های دقیق‌تر شد؛ البته یادآور می‌شود که ساختار هندسی کلمات پیش از یاقوت شکل گرفته بود و خوش‌نویس ایرانی، محمد بن علی راوندی (حدود ۵۵۰-۶۰۳ ه.ق)، یکی از کسانی بود که نسبت‌های هندسی نقطه معیار با الف معیار و دایره معیار را بر اساس روش ابن مقوله شرح داده بود.

به هر حال یاقوت در دوران پر فراز و نشیب خلافت اسلامی در سیر تحول و تکامل اقلام سته به‌ویژه قلم نسخ کوشید و به استحکام و تناسب هندسی آن بسیار توجه کرد. به اعتقاد نگارنده، این هنرمند در قلم نسخ پایه‌گذار هندسه‌ای بود که در قرن بعد پیروانش تا سرحد امکان تناسب‌های آن را توسعه بخشیدند.

دوران زندگی یاقوت دوران سختی است؛ حملات مغول و ورود آنان به بغداد و حضور هلاکوخان و پایتختی تبریز از یک سو و خلافت اسلامی از سویی دیگر، هر کدام می‌توانست در حوزه خط و نوشتار و سیر تحول آن نقش داشته باشد. یاقوت در دوره آباآقاخان، ایلخان دوم مغول به خدمت عطاالملک جوینی که مدتی حاکم بغداد بود، درآمد. او به خوش‌نویسی خود ادامه داد و نسخه‌های متعددی از قرآن را کتابت کرد و تأثیر بسزایی در سیر تحول و تکامل اقلام سته از خود بر جای گذاشت. از میان اقلام سته، یاقوت ثلث و ریحان را نیز بسیار خوب می‌نوشت و قرآنی را نیز به قلم محقق به زیبایی تمام کتابت نمود و از خود به یادگار گذاشت. محققان تاریخ ولادت او را ۶۱۶ ه.ق و یا ۶۰۰ ه.ق و وفات وی را در ۶۹۶ ه.ق دانسته‌اند که به قولی در سن ۹۶ سالگی وفات یافته است.

اصول اقلام سته (خطوط شش گانه) و اهمیت آن در کتابت کلام وحی

پس از ابن مقوله بیضاوی شیرازی، ابن بواب در ضمن به کار بستن قواعد دوازده‌گانه با سنجیدن حروف به میزان نقطه، قواعد دیگری را در خوش‌نویسی پیشنهاد کرد و با دقت قابل توجهی در تراش قلم و انتخاب مرکب و تربیت شاگردان متعدد در تکمیل اقلام ثلث و نسخ و رقاع مؤثر افتاد.

مقصود از تعیین اندازه حروف به‌وسیله نقطه آن است که ارتفاع حرف‌هایی همانند (الف یا لام و امثال آن) یا طول مدات (کشیدگی‌های حروف) در هر مورد و یا دهانه دوائر (همانند قاف، لام، نون و ی) چه اندازه باید باشد و این اندازه‌ها را با تعدادی نقطه‌های به‌هم‌چسبیده معین می‌کنند. معمولاً این نقطه‌ها را توخالی می‌نویسند تا با نقطه‌های اصلی حروف در سطر اشتباه نشود. هرگاه در تعیین اندازه‌ای نقطه آخری تمام نبود و به اصطلاح نیم‌نقطه بود آن را به‌صورت یک صفر نشان می‌دهند.

در طی دو قرن پس از ابن بواب خوش‌نویسی به‌دست خطاطان متعدد دیگری رونق گرفت تا یاقوت مستعصمی ظهور کرد و از این میان اقلام متعدد رایج شش قلم (ثلث، نسخ، ریحان، محقق، توقیع و رقاع) را برگزید و در زیبا گرداندن آنها ابتکاراتی به خرج داد. اقلام سته یاقوتی به «خطوط



نقش اقلام سته
(خطوط شش گانه) در
کتابت کلام وحی

اصول» نیز مشهور است و به تدریج جای خطوط دیگر را (به جز خط کوفی) گرفت (یوسفی ۱۳۷۵: ۶۸). که در این مختصر با اشاره‌ای کوتاه به خطوط شش گانه آن را بیان خواهیم کرد و به ابعاد گوناگون آن خواهیم پرداخت که چه تفاوت‌هایی در بین آنها وجود دارد و کاربرد هر یک از آن اقلام چگونه است.

خط نسخ

یکی از اقلام شش گانه (اقلام سته) است که از نظر ویژگی‌های بصری و کتابتی در جایگاهی خاص قرار گرفته است. در اصطلاح کاتبان خط نسخ دو قسمت آن «دور» و چهار قسمت آن «سطح» است و این خط را از آن جهت نسخ گویند که پس از سده سوم هجری قمری در مصحف‌نویسی و نسخه‌نویسی بسیار مورد توجه قرار گرفته و بنا به تعبیری خط کوفی و مفردات آن را منسوخ کرده است (مایل هروی ۱۳۷۰: ۸۰). عبدالله صیرفی از خوش‌نویسان صاحب نام قرن هشتم هجری قمری در رساله آداب الخط چنین می‌گوید: «و نسخ را از آن رو نسخ خوانند که بیشتر کتب بدین خط نویسند، پس گویا چنین است که دیگر خطوط را ترک کردند و بدین اکتفا نموده‌اند، چنان که ناسخ دیگر خطوط شده است».

به هر حال خط نسخ پس از پیدایش آن، جای خط کوفی و دیگر اقلام خط را در جهان اسلام فرا گرفت و در هر جغرافیا و منطقه‌ای با مختصات همان بلاد اسلامی در هم آمیخت و شکل تازه‌ای به خود گرفت؛ به طوری که مثلاً در ترکی (عثمانی) در میان خوشنویسان ترک‌زبان با حروف ظریف که متمایل به سمت چپ است رواج یافت و نسخ ترکستانی در میان کاتبان ماوراءالنهر و توابع آن با حروفی باریک و کوتاه، آن چنان که در مفردات آن لاغری و فربهی حروف آشکار است و «الف و لام» های آن نازک به نظر می‌رسد، معمول شد؛ همچنین این خط در حوزه جغرافیایی شبه قاره هند به خط «نسخ بیهاری» شهرت یافت؛ و علاوه بر این نسخ شرقی در قسمت‌هایی از ایران با دور مدورتر و سطح مستقیم‌تر و حروفی کشیده‌تر رواج یافت و تا اوایل سده نهم هجری که نستعلیق به کرسی نشست، اکثر نگارش‌های فارسی نیز علاوه بر مصحف شریف با خط نسخ کتابت شد که آن را خط نسخ فارسی یا ایرانی گویند.

خط نسخ در طول تاریخ، از ظهور اسلام تا به امروز، بیشترین و مهم‌ترین نقش را در کتابت نسخه‌های خطی بر عهده داشته است. کاربرد خط نسخ بیشتر در نوشتن نگارش متون قرآن کریم، ادعیه، احادیث، مناجات و در اولویت‌های بعدی کتب تاریخی، علمی و متون پر حجم توجه کاتبان را به خود جلب کرده است. قدمت و پیدایش خط نسخ به سده‌های نخست ظهور اسلام برمی‌گردد، اما بیشتر متأخران اختراع و ابداع آن را به ابن مقله بیضاوی شیرازی نسبت داده‌اند.

پس از ابن مقله، ابوالحسن علاءالدین علی بن هلال معروف به «ابن بواب» که از معروف‌ترین



خوشنویسان سده پنجم هجری قمری است، جایگاه ویژه خود را حفظ نمود؛ پس از وی نیز خط یاقوتی از سوی یاقوت مستعصمی جای آن را گرفت و در ادامه کاتبان مشهور فراوانی در جهت کتابت قرآن کریم از این خط بهره بردند.



شکل ۳. قطعه خط نسخ عربی، سوره انعام، قرن ۱۰-۹ ه ق



شکل ۴. خط نسخ هندی (بیهاری) قرن ۹ ه ق، موزه بریتانیا، لندن

نسخ نویسان مشهور پس از یاقوت

از دیگر نسخ نویسان پس از یاقوت می‌توان به ارغون بن عبدالله کاملی (۷۰۰-۷۴۵ ه ق) و نیز مولانا عبدالله صیرفی (درگذشت احتمالا ۷۵۳ ه ق)، مبارک شاه بن قطب تبریزی (درگذشت ۷۶۰ ه ق)، میرزا اسدالله کرمانی (درگذشت ۸۹۷ ه ق) و شیخ حمدالله آماسی (درگذشت ۹۲۷ ه ق) اشاره کرد.

دیگر دوران اوج خط نسخ ایرانی، هم‌زمان با ظهور هنرمندانی همچون علاءالدین تبریزی (۹۶۳ تا ۱۰۰۸ ه ق) و محمدابراهیم قمی (۱۰۶۰ تا ۱۳۱۷ ه ق) است که با استفاده از ریتم‌ها و حالاتی که از روحیات و عواطف لطیف ایرانی الهام گرفته بود، دورها و قوس‌ها و نرمی‌ها و لطایف ظریفی را به‌جای حرکات صاف، خشک و تیز جایگزین نمودند و بر زیبایی و جذابیت این خط افزودند تا کتابت کلام وحی به زیباترین شکل ممکن در جغرافیای ایران تحریر و کتابت گردد؛ در اواخر دوران صفویه در اوایل قرن دوازده هجری قمری، قلّه درخشان خط نسخ ایرانی، میرزا احمد نیریزی پا به عرصه وجود نهاد. در صحیفه سجاده که به سال ۱۰۸۷ قمری کتابت نموده و نخستین اثر شناخته‌شده وی



نقش اقلام سته
(خطوط شش‌گانه) در
کتابت کلام وحی

محسوب می‌گردد، خود را با لقب به «فخرالدین» می‌خواند. او به دربار شاه‌سلطان حسین صفوی (حکومت ۱۱۰۵-۱۱۳۵ ه. ق) راه یافت و به لقب «سلطانی» مفتخر گردید.

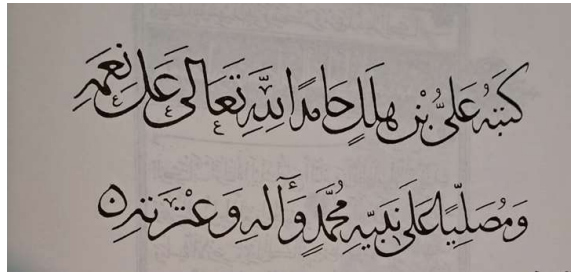
میرزا احمد نیریزی با تغییرات هوشمندانه و رفع بعضی از نواقص و اشکالاتی که در کرسی‌بندی و نیز ریتم کلمات و جملات به چشم می‌خورد، با قلم قدرتمند خویش و با آگاهی و درایت و نبوغ ذاتی که داشت این خط را به اوج کمال رساند.

پس از او نسخ‌نویسان زیادی در سایر شهرهای ایران به‌جز پایتخت صفویان خط نسخ به شیوایی و زیبایی تمام دنبال کردند، ولی نام میرزا احمد نیریزی در زمره بهترین خطاطان خط نسخ ایران بر قله افتخار با صلابت و استوار می‌درخشد و نفایس زیادی از جمله قرآن کریم، کتب ادعیه، مناجات، احادیث و سایر مرقعات و قطعات خط نسخ وی امروزه زینت‌بخش موزه‌های ایران و جهان است. وی پرکارترین و معروف‌ترین کاتب خط نسخ ایران و کتابت قرآن کریم به شمار می‌رود.



فصلنامه بنیان هنر
شماره پنجم
زمستان ۱۴۰۳

۱۸۵



■ شکل ۷. انجامة قرآن کریم به خط علی ابن هلال
(مأخذ: مایل هروی، ***: ۸۳۸).



■ شکل ۶. صفحه‌ای از قرآن کریم معروف به قرآن امام زمان (عج) خط نسخ
ایرانی، کتابت میرزا احمد نیریزی، موزه مجلس شورای اسلامی

از نسخ‌نویسان مشهور پس از نیریزی و علی‌الخصوص دوره قاجار می‌توان به اسامی زیر اشاره کرد: محمد هاشم لولؤه اصفهانی (۱۱۷۲-۱۲۱۲ ه. ق)، زین‌العابدین قزوینی (۱۲۱۳-۱۲۴۷ ه. ق)، محمد اسماعیل (فعال تا ۱۲۲۷ ه. ق)، محمد شفیع شیرازی ملقب به وصال (۱۱۹۷-۱۲۶۲ ه. ق)، احمد شاملو مشهدی، محمدصادق رضوی، غلامعلی اصفهانی (۱۲۰۵-۱۲۶۹ ه. ق)، محمدشفیع تبریزی (۱۲۳۵-۱۲۷۹ ه. ق)، زین‌العابدین اصفهانی ملقب به اشرف‌الکتاب (۱۱۸۷-۱۲۹۶ ه. ق)، علی‌عسگر ارسنجانی (درگذشت ۱۳۰۲ ه. ق)، میرزا محمدعلی خوشنویس اصفهانی (۱۲۵۵-۱۳۱۳ ه. ق) و میرزا عبدالحسین قدسی و خاندان وی که در اصفهان پس از اشرف‌الکتاب شهرت داشتند (راه‌پیما، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

خط ثلث

خط ثلث را «ام‌الخطوط» گفته‌اند و از مهم‌ترین اقلام سته به شمار می‌رود. خطی که برای کتیبه‌نگاری قرآن کریم همواره به کار رفته و در کنار خط نسخ که برای «آیه‌نگاری» قرآن کریم استفاده می‌شده، همواره در کنار هم در حوزه کتابت و نوشتار نقش بسزایی را ایفا کرده‌اند. خط ثلث به خط نسخ شباهت‌هایی دارد، با این تفاوت که در خط ثلث حروف تشعیر دارد؛ به این معنی که انجامه‌های حروف تند و تیز است و دور و خمیدگی حروف نیز از نسخ بیشتر است؛ همچنین در خط ثلث ترویس (سَرک) بر فراز حروف ایستاده فراوان دیده می‌شود و گرفتگی و تنگی چشمه حروف (بیاض حروف) در آن جایز نیست.

ابن مقله وزیر کاتب، درباره رواج خط در روزگار پیشین چنین می‌نویسد: قلمی که بیش از همه به کار می‌رفت و جلی‌تر از دیگر اقلام بود، قلم ثلثین بود و پادشاهان و بزرگان احکام و اقطاع خود را با آن می‌نوشتند و آن را «سجلات» می‌نامیدند.

از زمان مأمون خلیفه عباسی، مکاتبات وزرا به عُمال با قلم «ثلث کبیر» بود و پاسخ عُمال به آنان با قلم «ثلث صغیر» نوشته می‌شد. خط ثلث شاید مهم‌ترین قلم از اقلام سته به شمار می‌رود و در اقلام دو میلی‌متر به بالاتر نوشته می‌شود. نسبت ریز و درشت این خط ۲ تا ۳ میلی‌متر است که آن را «ثلث سرفصلی» گویند. قلم ثلث ۳-۴ میلی‌متر را «ثلث مشقی» و قلم ۴ میلی‌متر تا یک سانتی‌متر «ثلث جلی» و درشت‌تر از آن را «ثلث کتیبه» می‌نامند.



■ شکل ۸. کتیبه کاشی، خط ثلث، محمد صالح اصفهانی، دوره صفوی، مسجد امام (جامع عباسی) اصفهان.



نقش اقلام سته
(خطوط شش‌گانه) در
کتابت کلام وحی

کاربردهای خط ثلث در دانگ‌های متفاوت:

همان‌طور که اشاره رفت قلم ثلث کاربردهای متفاوتی در کتابت داشته و دارد؛ چنان‌که در اندازه سرفصلی برای نوشتن سَرسوره‌های قرآن کریم و عناوین هر فصل از کتاب یا مقالات یا فرمان‌ها و یا کلاً مطالبی که با قلم‌های کتابت ریز نوشته می‌شود، به کار می‌برند؛ بدین مفهوم که اصل متن‌های طولانی با قلم ریز نوشته می‌شده و سرفصل‌های مهم و عنوان و موضوع با قلم ثلث سرفصلی نگارش می‌شده است. قلم ثلث مشقی که بهترین اندازه قلم برای تعلیم قواعد آموزش حروف و اتصالات خط

ثلث شناخته می‌شود، بیشترین کاربرد را در امر آموزش دارد.

قلم ثلث با دایره جلی نیز برای نوشتن و خلق آثاری که هنرمند قصد نمایش عمومی آنها را دارد یا جهت نشان دادن توانایی و مهارت خویش را در خلق تابلوهایی مبتکرانه و نفیس با قوه ابتکار و معماری و ترکیب و فضا سازی بدیع و زیبا به کار می‌رود؛ در نهایت باید یادآور شد که قلم ثلث جلی که همان قلم کتیبه است، بیشترین کاربرد را دارد و آن را در خط ثلث سردر مساجد، محراب‌ها، تکایا و سایر نقاط مذهبی می‌توان دید.

خط مُحَقِّق

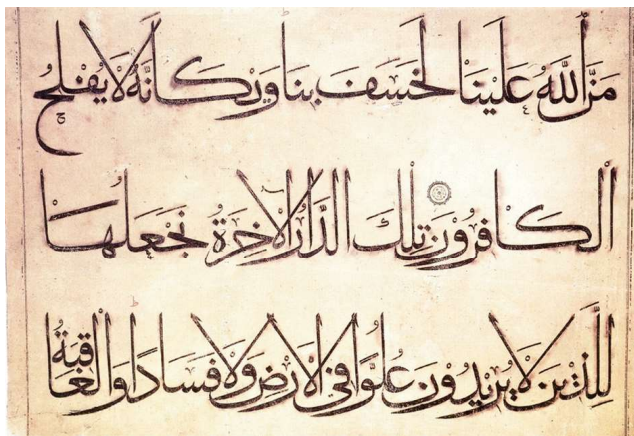
خط محقق از دیگر اقلام سته است که در قرن نهم (دوره تیموری) بیشترین کاربرد را در حوزه‌های گوناگون کتیبه‌نگاری در نوشتن مصحف شریف و نیز معماری آن دوره داشته است. خط محقق در عرف خوش‌نویسان به خطی گفته می‌شود که حروف آن در شکل مفرد و مرکب کامل، صحیح و تمام باشد و رُبعی از آن دور باشد و بقیه را سطح تشکیل می‌دهد و به عبارتی دیگر سطح آن چهار قسمت و نیم باشد و دور آن یک قسمت و نیم.

خط محقق از مشتقات خط ثلث است که با کشیدگی و رعنائی و ظرافت و دور کمتر و سطح بیشتر نسبت به خط ثلث که دارای ارسال‌های ظریف و زیبایی در انتهای حروف مثل «ر» و «واو» و «میم» است و دوایری که از حالت دایره و بیضی خارج شده و کمی تخت‌تر و مسطح‌تر هستند. از ویژگی‌های بارز خط محقق می‌توان به شکوه و عظمت، اندام درشت حروف و کلمات، فاصله منظم و یکدست و ساده بودن آن اشاره کرد.

خط محقق دارای ویژگی‌ها و قابلیت‌های زیبایی تصویری و گرافیکی است و مورد توجه هنرمندان بزرگ گرافیک نیز قرار گرفته است. در طول تاریخ محقق‌نویسان توانمند و چیره‌دست بسیاری ظهور

کرده‌اند که از جمله آنان می‌توان احمد بن سهروردی و احمد قره حصار را نام برد.

بیشترین عیار خط محقق را به مولانا جعفر بن علی تبریزی مشهور به «جعفر بایسنجری» که از شاهزادگان تیموری است نسبت می‌دهند. قرآن بسیار زیبایی که به خط وی منسوب است، بر روی کاغذ خان‌بالغ و در ابعاد ۱۱۷ در ۱۱۰



■ شکل ۹. خط محقق، منسوب به عمر آفتا (آقطع)، دوره تیموری، قرن ۸-۹ هجری، موزة متروپولیتن نیویورک



سانتی‌متر نوشته شده که از معجزات عالم خوش‌نویسی به شمار می‌رود و اکنون حدود شصت صفحه از آن قرآن نفیس باقی مانده که تقریباً پنجاه صفحه آن در موزه آستان قدس و بقیه اوراق آن در موزه‌های معتبر جهان نگهداری می‌شود.

قَلَقْشَمندی با آنکه محقق را عین خط وراقی دانسته باین‌همه، به استناد قول عماد الدین ابن عفیف، خط وراقی را از جهاتی با خط نسخ همانند دیده است، اما قُدا گویند محقق را از خط ثلث برخاسته به این طریق که یک نقطه بر ثلث افزوده و سطحش را بیشتر کرده و محقق را استخراج نموده است (مایل هروی ۱۳۷۰: ۱۳۵).

خط ریحان

از دیگر اقلام سته و خطوط شش‌گانه «خط ریحان» است. خط ریحان یا ریحانی منسوب به ریحانی (درگذشت ۲۱۹ ه.ق) و به قولی از اختراعات و ابداعات ابن مقله بیضاوی است. این خط که شکل نازک، ظریف و لطیف خط محقق است، یک قسمت و نیم دور دارد و چهار قسمت و نیم سطح و چون به لطافت و نازکی قلم بوده، آن را به گل ریحان تشبیه کرده‌اند و به این نام خوانده‌اند، چنانچه در شعر شاعران گفته‌اند:

همیشه تا به بهاران صبا به صفحهٔ باغ	هزار نقش نگارد به خط ریحانی ^۱
ای سبزهٔ باغ حُسن، ریحان خطت	طغرای مثال حُسن، برهان خطت ^۲
خرم چمنی است از گل و ریحان پُر	اوراق گل و خطوط او ریحان است ^۳

خط ریحان تنها خطی است که از قلم یک و نیم میلی‌متر درشت‌تر نوشته نمی‌شود، چون در این صورت آن را همان خط محقق می‌نامند. در واقع ریزنویسی خط محقق را ریحان گویند که با اندکی کمک گرفتن از حروف و اتصالات خط نسخ، آن را به وجود آورده‌اند و معمولاً برای آیه‌نگاری قرآن کریم کاربرد داشته است و تمام ویژگی‌های خط محقق را در خود دارد، با این تفاوت که حرکات حروف و کلماتش نازک‌تر و ظریف‌تر است و خطوط عمودی آن همچون الف‌ها-لام‌ها و دستهٔ حروف «ط» و «ظ» و «کاف» کمی کوتاه‌تر است.

چون در تعریف خط ریحان حداکثر پهنا و ضخامت قلم را یک و نیم میلی‌متر ذکر کرده‌اند، بنابراین خط ریحان فقط می‌تواند یک نوع باشد و کاربرد آن در کنار خط محقق برای نوشتن قرآن‌های معروف به سه‌سطری نیز به کار رفته است. دو نمونه از نفیس‌ترین قرآن‌ها به خط ریحان در گنجینه و موزه



نقش اقلام سته
(خطوط شش‌گانه) در
کتابت کلام وحی

۱. دیوان حافظ

۲. مؤنس الاحرار، جاجرمی-جلد ۲-ص ۱۹۶

۳. دیوان جامی ص ۸۱۵

آستان قدس رضوی به خط عبدالله طباق و احمد بن سهروردی نگهداری می‌شود که مربوط به قرن نهم هجری قمری و دوره تیموری است.



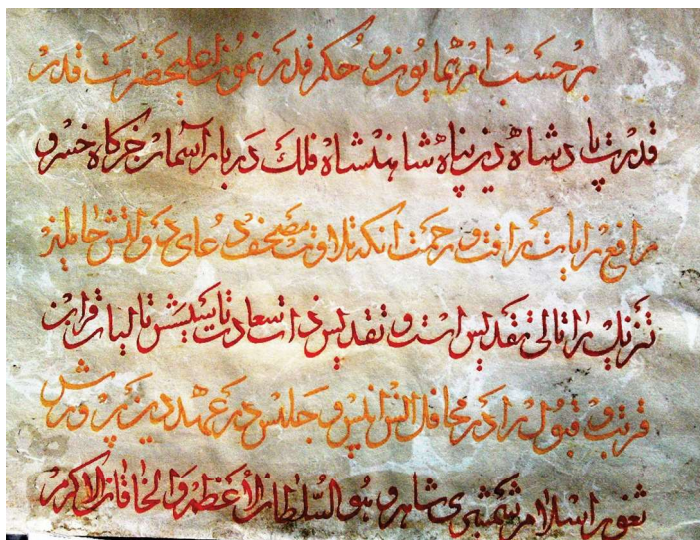
■ شکل ۱۰. صفحه‌ای از قرآن کریم به خط ریحان، دوره صفوی، قرن ۸ هـ ق



خط توقیع «خط اجازه»

خط توقیع از دیگر اقلام سته و خطوط شش گانه است و کلمه «توقیع» در لغت به معنای دستخط و امضا است و در عُرف خوشنویسان به خطی گفته می‌شود که مأخوذ از خط ثلث خفیف است (ابن ندیم ۱۳۴۶: ۱۴) که دور و سطح آن همسان و برابر است و به آن جهت که توقیعات و سجلات خلفا را با آن می‌نوشتند، آن را توقیع گویند (قلقشندی ۱۳۳۲: ۷۹).

خط توقیع معمولاً برای نوشتن انجامة‌های قرآن‌ها، کتاب‌ها، نام سفارش دهنده، تاریخ و مکان تحریر و نام کاتب و سایر موارد این‌چنینی به کار می‌رفته است. قواعد خط توقیع نظیر خط ثلث است،



■ شکل ۱۱. خط توقیع، رنگ‌نویسی، کاغذ آهار مهره

اما کمی ریزتر و ترکیباتش کمی فشرده‌تر و اتصالاتش کمی بیشتر است. شیوه کهن و مشهور این خط، همانا توقیع مطلق است که کتابت آن به اندازه خط ثلث صورت می‌پذیرفته است. این شیوه توقیع را برادر ابراهیم سنجری یوسف اختراع کرده و «فضل بن هارون ذوالریاستین» آن را پسندید و دستور داد که نوشته‌های دیوانی را جز با آن کتابت نکنند و به همین جهت آن را «خط ریاسی» نیز گویند. شیوه مزبور از توقیع همچنان که ذکر گردید با خط ثلث هماهنگ است، اما تفاوت‌هایی نیز با آن دارد به این شرح که قط قلم توقیع مُدورتر است؛ به خلاف قلم ثلث که تحریف دارد و همچنین حروف در خط توقیع گردتر و گودتر از حروف و کلمات خط ثلث است.

شیوه‌ای از خط توقیع به آن جهت که در قرن نهم هجری قمری، در کتابت اجازات فرهنگی و از جمله اجازه‌نامه‌های معمول در نظام خوش‌نویسی، رواج یافت به نام «خط اجازه» نیز شهرت یافت؛ البته خط اجازه با آنکه گونه‌ای از خط توقیع است، دارای هیئت نازک و شکلی ظریف است و حروف در این خط دور بیشتری نسبت به خط توقیع مطلق دارد (ناجی زین الدین ۱۳۸۸ ق: ۹۹).

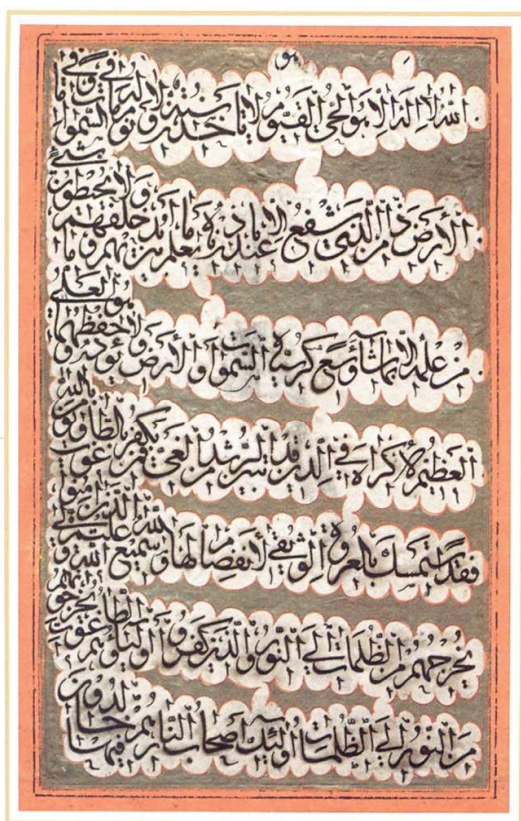
خط رقاع

رقاع در لغت به معنای پاره‌ها و نوشته‌های مختصر است و جمع کلمه رقعہ است. خط رقاع در عرف خوش‌نویسان و مصطلح خط‌شناسان به گونه‌ای از خط اطلاق می‌شود که با آن مکاتبه‌های دیوانی، داستان‌ها و حکایت‌ها را بر روی رقعہ «ورقه‌های کوچک و مختصر» کتابت می‌کرده‌اند (دهخدا ۱۳۸۵: ۵۸).

در خط رقاع، حروف آن به خط ثلث و توقیع شباهت دارد، غیر از آنکه در مقایسه با خط توقیع، خط رقاع به دور بیشتر نیازمند است و از نظر اندازه حروف رقاع نازک‌تر و لطیف‌تر از آن است، جهت اطلاع بیشتر باید متذکر شد که در خط ثلث و توقیع به هنگام کتابت حروفی همچون الف و امثال آن، ترویس «سَرک» لازم است، ولی در خط رقاع، بعضاً ترویس واقع نمی‌گردد و علاوه بر این در رقاع، حلقه‌های حرف‌های «عین» و «فاء» و «قاف» و «میم» و «واو» و «لام»



نقش اقلام سته
(خطوط شش‌گانه) در
کتابت کلام وحی



■ شکل ۱۲. خط رقاع، بخشی از سورة آل عمران، به خط محمد اسمعیل، ۱۲۳۷ ق



الف محققه بسته است. همچنین در رقاع حروفی همچون «الف مماله» (مقصوره) که به جهت سمت راست تمایل دارد، دیده می‌شود که در ثلث و توقیع این گونه اشکال حروف دیده نمی‌شود. با این همه، خط رقاع خطی است بسیار زیبا و خوش و از جمله خطوط کهن به شمار می‌رود که در جهان اسلام مورد توجه خاصی بوده و معمولاً انجامه و یا ترقیمه مصحف شریف و سایر کتب به این خط نگارش می‌گردیده است و همچنین در کتابت نامه‌ها و فرمان‌های دیوانی از آن بهره برده‌اند و ترکیبات آن گاهی درهم آمیخته و متصل به هم کتابت می‌شده است.

خطوط توقیع و رقاع به دلیل آنکه نه به لحاظ زیبایی و فرم‌های هندسی و توازن و لطافت به پایه چهار خط دیگر خطوط شش گانه می‌رسند و نه از لحاظ خوانایی و وضوح توان رقابت با خطوط فوق‌الذکر را دارند، از مدت‌ها پیش به حاشیه رانده شدند و بیشتر جنبه تزئینی به خود گرفتند؛ البته خط رقاع هنوز هم در نوشتن سرسوره‌های قرآن کریم که به خط نسخ نوشته می‌شوند و همچنین برای توشیح و توضیح و پاورقی‌های مربوط به تفسیر قرآن در حاشیه یا زیر ستون قرآن کاربرد داشته و اکنون نیز کاتبان معاصر به دنبال همین کاربرد از خط رقاع هستند.

خط رقاع که یکی از اقلام خطوط سته به شمار می‌رود، بیشتر در دوران خلافت عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ ه.ق) کاربرد داشته و از محبوبیت خاصی برخوردار بوده است. این خط از پیوند دو خط ثلث و نسخ پدید آمده که البته تأثیر خط ثلث در آن آشکارتر است؛ البته خط رقاع نسبت به دو گزینه پیشین خود یعنی ثلث و نسخ، از لطافت و نرمی بیشتری برخوردار بوده و روانی و سیالی بیشتری در آن به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

در دوران آغازین اسلامی و ظهور پیامبر اکرم (ص) در سده‌های اول تا چهارم هجری قمری با حوزه نوشتاری خاصی روبرو بودیم که خط کوفی اولیه بدون اعراب و بدون اعجام بود و خصوصاً در سده‌های نخست یعنی اول و دوم در تمام جغرافیای جهان اسلام که این خط گسترش یافته بود، تنها افراد خاص می‌توانستند مفهوم بعضی از کلمات را درک کنند یا بخوانند و خط کوفی اولیه برای خواندن و نوشتن دشواری‌های خاص خود را داشت، از این رو هنگامی که در سده چهارم هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی توانست هندسه کلمات را در خطوط شش گانه ترسیم و آن را بر خط کرسی بنشاند و آنها را از خط کوفی استخراج نماید، حوزه خط و الفبا و نوشتار سهولت یافت؛ از آن پس کاتبان توانستند تمام بلاد اسلامی را به خطوط شش گانه آشنا کنند و خواندن و نوشتن قرآن سرعت چشمگیری یافت؛ همچنین قرآن‌ها در اندازه‌های قابل توجهی تعریف و تهیه شدند که قبلاً در خط کوفی این امکان میسر نبود. اقلام سته نقطه عطفی در کتابت قرآن کریم در تمامی دوران‌های مختلف حکمرانی مسلمانان در بلاد اسلامی به شمار می‌رود.

منابع

۱. اصفهانی، میرزا حبیب (۱۳۶۹). تذکره خط و خطاطان، ترجمه رحیم چاوش اکبری، تهران: کتابخانه مستوفی.
۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶). الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: نشر اساطیر.
۳. اقبال آشتیانی، عباسی (۱۳۸۵). تاریخ کامل ایران، جلد دوم، تهران: گلستان شاعران.
۴. الراوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۶۴). راحة الصدور آیه الصدور در تاریخ سال سلجوق، به کوشش محمد اقبال، تهران: امیرکبیر.
۵. القلقشندي، أحمد بن علي (۱۳۳۲ ق) - صبح الاعشي في صناعه الانشاء ج ۳، قاهره: دار الكتب المصرية
۶. بیانی، مهدی (۱۳۶۳). احوال و آثار خوشنویسان، چاپ دوم، تهران: علمی.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). لغت نامه، جلد اول، حرف راء، تهران: دانشگاه تهران
۸. راه پیما، غلامرضا (۱۳۹۲). از الفبا تا هنر. تهران: مرکز اسناد مجلس و فرهنگستان هنر.
۹. عالی افندی، مصطفی (۱۳۶۹). مناقب هنرواران، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: سروش
۱۰. فضائلی، حبیب الله (۱۳۶۲). اطلس خط. اصفهان: مشعل.
۱۱. مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲). کتاب آرایي در تمدن اسلامی، بابا شاه اصفهانی، آداب المشق، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۲. منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۶۶). گلستان هنر، تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: کتابخانه منوچهری
۱۳. جاجرمی، محمد بن بدر (۱۳۳۷) مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، تهران: انجمن آثار ملی
۱۴. ناجی زین الدین (۱۳۸۸ ق) مصور الخط العربی، بغداد: المجمع العلمی العراقی
۱۵. یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۵). خط و خطاطی، فصنامه هنر، شماره ۳۱، تهران: وزارت ارشاد



نقش اقلام سته
(خطوط شش گانه) در
کتابت کلام وحی